

عتیله

فصلنامه داخلی پژوهشی
مدرسه علمیه حضرت زینب(س)
سال ۱۷ شماره ۳۸ / زمستان ۹۷

Mgosoft PDF Merger

إمام سجاده (ع)
وَأَمَّنْ عَلَيَّ بَكلِ مَا يَصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
وهر چه را که در این جهان و آن جهان باعث اصلاح حالم
شود به من کرامت کن.

ما ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ،
خواه یادآور شده خواه فراموش کرده باشم،
دعای ۲۵ صحیفه سجادیه

- نشانه‌های بی‌حوصلگی در مادران / زینب سجادی پویا
- علل بی‌حوصلگی در مادران / زهرا اسحاقی
- پیامدهای بی‌حوصلگی مادران در تربیت فرزندان / فاطمه ترابی
- مدیریت فرهنگی مادران / زهرا رسولی

فصلنامه داخلی پژوهشی عقيله / سال ۱۷ شماره ۳۷ / زمستان ۹۷

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت زینب علیها سلام

“مدیر مسؤول: مرضیه پارسائی راد” رؤف

سردبیر: سیده اعظم التفاتی فاز

مدیر اجرایی: مرضیه آذرکمان زاده

طراح و صفحه آرا: حسین حیدری

با سپاس ویژه از خانم‌ها: از همه عزیزانی که ما را در تهیه و تنظیم

این شماره نشریه یاری دادند

Mgosoft PDF Merger

آدرس: خیابان آیت الله بهجت ۲۳، نبش چهارراه اول سمت راست پلاک ۴۸

تلفن: ۵۹ - ۳۲۲۹۰۰۵۶

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۳۳۰۰۱۳۹۰۹۱

www.zeynaby.ir

info@zeynaby.ir



فهرست مطالب:

سخن نخست

۳.....

نشانه‌های بی‌حوصلگی در مادران از بین بجاری پویا

۵.....

علل بی‌حوصلگی در مادران / زهرا اسحاقی

۱۰.....

پیامدهای بی‌حوصلگی مادران در تربیت فرزندان / فاطمه ترابی

۱۶.....

مدیریت فرهنگی مادران / زهرا رسولی

۲۱.....

گاهی انسان به خاطر بی‌حوصلگی از قوای بدنی استفاده نمی‌کند. حوصله این‌قدر اهمیت دارد. این ضجر که فرمودند، بی‌حوصلگی و ملالت، دلزدگی، اینها همه‌اش یکی است، در واقع ابعاد یک حالت است که هر کدام یک بخشی از این حالت را بیان می‌کند.

بیانات معظم‌له که در ابتدای جلسه‌ی درس روز سه‌شنبه ۱۳۹۵/۹/۱۳۹۵

در دنیای امروز عصر تکنولوژی و سرعت است و از عوارض آن بی‌حوصلگی و تنبلی است، بروز این حالات در افراد مختلف آثار نامطلوبی را به دنبال دارد، در صورتی که این حالات برای مادران ایجاد شود، به دلیل نقش مهم ایشان در زندگی و تربیت فرزندان، تبعات بیشتری را به دنبال دارد.

در سی و هشتمین شماره نشریه عقیده به دنبال بررسی نشانه‌ها، علل و عوامل و راهکارهای برون رفت از بی‌حوصلگی و تنبلی در مادران هستیم.

امید است مطالعه آن برای مادران بسیار راهگشا باشد.

Mgosoft PDF Merger

مقدمه

در دنیای امروز با پیشرفت علم و تکنولوژی، کسالت و بی‌حوصلگی به دلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و خانوادگی گریبانگیر بسیاری از مردم شده است که به شکل‌های گوناگون در افراد بروز می‌کند و این حالت نشأت گرفته از بی‌هدفی و بیکاری در زندگی روزمره انسان‌هاست.

آلبرت آلیس و ویلیام جیمز می‌گویند: «حدس ما آن است که ۹۵٪ مردم به این بیماری مبتلا هستند.» (روان‌شناسی بی‌حوصلگی، آلبرت آلیس و ویلیام جیمز، محمدعلی فرجاد، ۱۳۷۵، تهران، ص ۱۱)

بی‌حوصلگی یکی از صفات ناپسندی است که در وجود انسان‌ها ریشه می‌دواند و می‌تواند در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها مانند امور عبادی، دینی، تعاملات اجتماعی، واکنش‌های سیاسی و ... رسوخ کرده، فرد و جامعه را با بحران مواجه گرداند، زیرا بی‌تردید در مسیر شکوفایی و کمال موانع و دست‌اندازهایی وجود دارد که تنها با عزم و اراده از جلو راه برداشته می‌شوند تا فرد به مقصود و هدف خود برسد. در این بین انسان بی‌حوصله توان برداشتن این موانع را ندارد چرا که از ابراز علاقه و شوق برای نیل به هدف محروم است از این حیث می‌تواند در راه رسیدن به مقصود و شوق برای نیل به هدف عزت باز می‌ماند و گرفتاری‌های گوناگون پیدا می‌کند. در همین راستا قرآن کریم و پیشوایان دینی ما با سیره و سخن خویش «کسالت و بی‌حوصلگی» را تقبیح کرده و ارزش نشاط و امیدواری را به گونه‌های مختلف بازگو کرده‌اند و این تقبیح در حوزه‌ی زنان به دلیل ایفای نقش‌های مهمی چون همسری، مادری، خواهری و دختر بودن نمود بیشتری دارد زیرا نیازمند به صبر و حوصله مضاعفی می‌باشند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

تعریف کسالت در لغت و اصطلاح

در کتب لغوی با بررسی‌های صورت گرفته، کَسَلٌ به معنای سستی و تنبلی آمده است لذا مذموم شمرده شده است. (قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۶، ص ۱۱۰ به فتح کاف و سین به معنی سستی در آنچه نباید سستی کرد و لذا مذموم است؛ مقایس اللغه، فرهنگ ابجدی) و در اصطلاح قرآنی به پدیدار شدن ضعف در اثر بروز علتی در بدن یا عمل یا فکر و یا مقام گفته می‌شود. (مفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، دارالمعرفه، بیروت، ماده کَسَلٌ، ص ۸۸۷)

کسالت و بی‌حوصلگی در آیات و روایات

در قرآن کریم دو بار واژه «کُسالی» به کار رفته است و در هر دو مورد از ویژگی‌های منافقان شمرده شده است. «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالِي يُرَاوُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء/ ۱۴۲) این جمله وصف دیگری است از اوصاف منافقین و آن این است که وقتی به نماز می‌ایستند، اولاً به حالت کسالت می‌ایستند و پیدا است که هیچ رغبت و میلی به نماز ندارند و در ذکر خدا دچار کسالت و سستی شدند. (ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۱۹۱، علامه طباطبایی، سیدمحمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم)

«وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ هُمْ كُسَالِي وَ لَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ» (توبه/ ۵۴)

هیچ چیز مانع قبول انفاق‌های آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز به جا نمی‌آورند جز با کسالت و انفاق نمی‌کنند مگر با کراهت. (تفسیر نمونه، مکارم، ص ۱۹۷، با همکاری جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۷)

با توجه به آنچه از آیات قرآن ذکر شد؛ اعمال عبادی با کفر، کسالت و کراهت پذیرفته نیست. این مصداق روایت امام باقر علیه‌السلام است که می‌فرمایند: «... مَنْ كَسِلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ؛ هر کس بی‌حوصله باشد حقی را نپردازد و هر که بی‌حوصله شود بر [تحمل] حق شکستیا نباشد.» (تحف العقول، ص ۲۹۵، ابن شعبه حرّانی، ترجمه بهراد جعفری، بی‌نوا، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۴)

در این روایت که به حق اشاره شده است می‌تواند حق الناس و حق الله که همان انجام اعمال عبادی است را در بر بگیرد و مؤیدی بر آیات ذکر شده باشد.

بی‌حوصلگی و نشانه‌ها

شادکامی هدیه‌ای حیات بخش در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است زیرا وجود انسان را سرشار از لذت‌های شیرین و لذت بخش می‌کند و امید و آرمان‌گرایی به فرد می‌بخشد و در نهایت موفقیت و کامیابی را به ارمغان می‌آورد (رجوع شود به نشریه معرفت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ج ۸۴، ص ۸) پس باید نشانه‌های بی‌حوصلگی و تنبلی را شناخت و با آن مبارزه کرد.

۱. ناتوانی فرد در احقاق حق:

گاهی اوقات با اینکه می‌دانیم کلامی درست، حق و مفید است اما هرگز دلمان نمی‌خواهد آن را بشنویم، مثلاً کسی موعظه می‌کند یا حقی را بیان می‌کند یا مطالب علمی مفیدی را می‌خواند اما ما حوصله نداریم گوش کنیم. شاید اگر یک فیلم سینمایی یا یک برنامه تلویزیونی یا چیزهای غیرمفید دیگر باشد اینها را ترجیح دهیم. این مصداق روایت امام باقر

Mgsoft PDF Merger

علیه‌السلام است که می‌فرمایند: «إِيَّاكَ وَالْكَسِيلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مَفْتَا حُ كُلِّ شَرٍّ، مَنْ كَسِيلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ»

از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو کلید هر بدی می‌باشند و کسی که تنبل باشد حقی را نگذارد و کسی که بی‌حوصله باشد بر حق شکیبایی نرزد. (تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، ترجمه بهراد جعفری، بین الملل، سیره و سخن پیشوایان، محمدعلی کوشا، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴)

چنین فرد بی‌حوصله‌ای در احقاق حق ناتوان است و نمی‌تواند از حق دفاع کند و همواره ذلیل و محکوم و زیردست خواهد بود.

۲. شتابزدگی در انجام کارها:

فرد بی‌حوصله در دنیای مدرن امروز سطحی‌خوان و شتابزده عمل می‌کند و از مطالعه عمیق دور میشود و شور و اشتیاقی برای مطالعه ندارد و گاهی از سر اجبار روزانه چند دقیقه‌ای را به مطالعه درسنامه‌های خود می‌پردازد و به دلیل بی‌هدفی ارتباط چندانی با اطراف ندارد و هر چه دلش بخواهد انجام می‌دهد. «أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جائیه/ ۲۳)

کاری به اینکه آیا خدا می‌خواهد یا نه؟ تکلیف چیست؟ ندارد. در این صورت دل به شیطان سپرده‌اند و به جای خدا او را عبادت کرده‌اند. در این مورد امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند: «الْكَسِيلُ يَضُرُّ بِلَدِّينِ وَالزَّيْبُ كَالْمَالِ وَ بِي حَوْصِلِكُمْ هَمٌّ وَ هُوَ سَبَبُ ذُنُوبِ الْإِنْسَانِ، زِيَانٌ مِي رَسَانِد.» (تحف العقول، ص ۳۴۵، امام باقر علیه‌السلام جلوه امامت در افق دانش، گروه تاریخ اسلام، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵)

۳. احساس بی‌ارزشی و بی‌هدفی:

شخص بی‌حوصله تصمیم به انجام کاری می‌گیرد ولی بدون علت شناخته شده آن را به تعویق می‌اندازد زیرا احساس پوچی و بی‌ارزشی میکند. (مصطفی شورکی، رهایی از افسردگی، ارجمند، ۱۳۷۹، ص ۱۳-۱۰)

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «إِيَّاكَ التَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ الْهَلَكِيُّ؛ بِي حَوْصَلِكِي وَ اِهْمَالِ كَارِي هَمْچُونِ دِرْيَايِي اِسْتِ كِهْ غَرَقُ شَدِّگَانِ رَا بِهْ هَلَاكْتِ مِي رَسَانِد.» (بحار الأنوار، محمداقصر مجلسی، بیروت الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۶۵)

در کنار نشانه‌های ذکر شده از آیات و روایات، نشانه‌های دیگری نیز ذکر کرده‌اند که در علم روانشناسی به آن پرداخته‌اند از جمله عصبانیت، عدم تحمل دیگران حتی نزدیکان، بی‌علاقگی و لذت نبردن از فعالیت‌های اجتماعی، کاهش انرژی یا بی‌قراری، بی‌اشتهایی، کاهش قوای ذهنی و ... (رجوع شود به ابوی ام بلاک برن، مقابله با افسردگی و شیوه‌های درمان آن، ترجمه گیتی شمس، تهران، رشد، ۱۳۸۰، ص ۶۳ و ۶۴)

نتیجه‌گیری:

به طور طبیعی کسالت و بی‌حوصلگی در جامعه امروزی مانعی بر مسیر هدایت و رشد و کمال محسوب می‌شود. مراجعه به قرآن به عنوان منبعی قطعی و حقیقی و مطمئن جهت فهم موانع هدایت و کشف مسیر درمان و رفع آنها، در این مسیر بر هر مسلمانی امری ضروری است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بدانید قرآن درد شما را درمان است و سامان کارهاتان در آن است.» (خطبه ۱۵۸ نهج البلاغه، مرحوم دشتی، کوثر، چهارم، ۱۳۸۹، تهران)

بزرگان و علمای اخلاق نیز همواره افراد را از ابتلاء به این ناهنجاری اخلاقی - رفتاری بر حذر داشته‌اند لذا باید سعی خود را بر این قرار دهیم تا بی‌حوصلگی برایمان عادت نشود زیرا هر آنچه عادت شد برگرداندن آن سخت و دشوار خواهد بود. «رد المعتاد عن عاده كالمعجزه؛ کسی که به چیزی عادت کرد بازگردانیدن او از عادتش شبیه به معجزه است» (بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۱۷)

رفع نشانه‌های بی‌حوصلگی در بانوان با توجه به نقش‌های مهمی که در اجتماع و خانواده دارند مهم می‌باشد زیرا در لحظه لحظه‌ی ایفای وظایف خویش نیازمند عنصر صبر و حوصله هستند تا بتوانند به نحو احسن به انجام مسئولیت‌ها و وظایف خود بپردازند.

Mgosoft PDF Merger

Mgosoft PDF Merger

علل بی حوصلگی در مادران

زهرا اسحاقی

چکیده

مادری که باید طفلش را حتی قبل از انعقاد نطفه برای تربیت مد نظر داشته باشد، بعد از آن نیز تا مدت‌ها برای رشد و ادامه حیاتش باید تلاش بکند، نیازمند صبر و حوصله سرشار است. طفلی که قدم به این دنیا می‌گذارد این حق را دارد که مادر در کنار او باشد و از مهر و محبت او بهره‌مند شود اما گاهی علل و عواملی سبب می‌شود کودک از این حق برخوردار نگردد. از جمله عللی که ممکن است برای مادران پیش بیاید، بی‌حوصلگی در امر تربیت می‌باشد. در این مقاله سعی شده است علل و عواملی همچون بیماریهای جسمانی و علل رفتاری که باعث پدیدار شدن بی‌حوصلگی می‌گردد، مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد.

زنان با پرورش انسان‌ها در دامن خویش، مقام شامخ مادر بودن را برای خود به ارمغان می‌آورند. مقام مادری دارای حقوق و وظایفی است که در مبانی دینی مورد توجه قرار گرفته است. مادر برای اینکه بتواند از پس این مسئولیت‌ها به درآید، نیازمند شرایطی است که او را برای امر مهم تربیت آماده و مهیا سازد. حقیقت زندگی، ارتباط با انسانهای گوناگون است و به طور مسلم برخورد و سازش با چهره‌های مختلف همچون چهره‌های خشمگین، حسود، خودخواه، پرتوقع، حساس، زودرنج و کم گذشت کار هر کسی نمی‌باشد. بنابراین توانایی و سازش در محیط اجتماعی نیازمند خصوصیات روحی و اخلاقی است که باید زیربنای آن توسط پدران و مادران، مربیان و معلمان مدارس پی‌ریزی گردد. در این میان اگر مادران به علل مختلفی از جمله بی‌حوصلگی، افسردگی و ملال نتوانند از پس این مهم برآیند، آسیب‌پذیری اعضای خانواده بسیار خواهد شد. فاجعه‌ای که امروز غرب به آن گرفتار شده است. در این مقاله سعی شده است علل بی‌حوصلگی مادران که یکی از عناصر تخریب‌کننده در امر تربیت می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد.

علل بی‌حوصلگی در مادران

حوصله در لغت به معنای بردباری، شکیبایی و تحمل آمده است. (محمد معین، فرهنگ

فارسی معین، انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۳۷۹)

بنابراین مترادف کلمه‌ی حوصله، صبر است. چراکه صبر داشتن به معنای شکیبایی و تحمل کردن آمده است. (همان، ج ۲، ص ۲۱۲۹)

یکی از خصوصیات انسان تنوع طلبی و نیاز به تغییر مداوم در شکل و نوع محرکات بیرونی است. بی‌حوصلگی معمولاً زمانی ایجاد می‌شود که انسان نتواند آنچه را می‌خواهد انجام دهد یا مجبور باشد کاری را انجام دهد که نمی‌خواهد (لارس اسوندسن؛ ترجمه افشین خاکباز، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۴، چاپ اول، ص ۲۱).

چنین انسانی دیگر علاقه‌ای به اطرافیان، اشیاء پیرامون خود و فعالیت‌های روزمره ندارد واز آنها لذت نمی‌برد. (www.keramatzade.com)

بی‌حوصلگی در همه افراد می‌تواند اتفاق بیفتد اما این امر در مادران به دلیل اینکه دارای نقش‌های مهمی تربیتی هستند، می‌تواند اثرات گسترده‌تری داشته باشد.

در تعریف مادری آورده اند که: «مادری، فنی است عمیق همراه با مبانی دقیق که در درون زن خانه وجود دارد و روز به روز به سوی کمال و تخصص می‌رود و اعمال این تخصص

بدون هیچ گونه چشم‌داشتی است. فنی است که غفلت و اشتباه در آن موجب تباهی نسل و فساد جامعه می‌گردد و مراقبت از آن جامعه‌ای خیرخواه و متکامل پدید می‌آورد. مادری، هنری است ظریف، توأم با ریزه‌کاریهای بسیار که اعمال آن در طول زمان آن را دقیق‌تر و تخصصی‌تر می‌کند و شاهکار عملی این هنر، فرزندى است نیکو پرورش یافته، عادل، با تقوا، متکامل که در مسیر حق گام برمی‌دارد.» (علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، قم، انتشارات امیری، ۱۳۷۷، ص ۲۳)

همانطور که در بالا گفته شد، در تربیت فرزند، صحبت کردن و گوش سپردن به صحبت‌های او در برقراری رابطه‌ی درست، بسیار تأثیرگذار است. مادران باید به درد دل بچه‌ها گوش بسپارند هر چند صحبت‌هایشان کسل‌کننده و احياناً بی حساب باشد. این گفتگوهای دو طرفه باعث آشنایی بیشتر مادر از تحولات روحی- روانی فرزند می‌شود. (خدای، نرگس، مادری؛ حقوق و مسئولیت‌ها، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۴، ص ۸۴)

امام علی علیه السلام درباره‌ی صبر می‌فرماید:

وَ قَالَ عَلِيٌّ (ع): عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ بِهِ يَأْخُذُ الْجَزْمُ وَ بِهِ يَعُودُ الْجَزَعُ. (شهید ثانی، زین الدین بن علی، مُسْكِنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحِبَّةِ وَ الْأَوْلَادِ، بصیرتی، ۹۶۶ ق، ص ۴۳).

با تمام وجود، خصلت «صبر» تحمل را باید خوددنباله و خودبیار بود که اگر کسی به اراده‌ی محکم رسید، با صبر به آن رسید و فرد پریشان نیز چاره‌ای جز بازگشت به صبر ندارد. زنان و مادران بسیاری در قرآن به عنوان الگو معرفی شده‌اند از جمله مادر موسی علیه السلام (آیه ۳۸-۴۰ سوره طه)، مادر مریم (آیه ۳۶-۳۵ سوره آل عمران)، مادر مسیح (آیه ۳۷ سوره آل عمران).

(سمیه حاجی اسماعیلی، مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۵، ص ۲۰)

اما وجود چه شرایطی باعث می‌شود این ویژگی در زنان از بین برود، بحثی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳. عادات بد غذایی:

افزودن نمک زیاد به غذا، تند خوردن و خوب نجویدن غذا، استرس یا هیجان هنگام مصرف غذا و مصرف مواد غذایی فاقد ارزش غذایی و بسیاری از عادات نامناسب که با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی در باور های انسان شکل گرفته که گاهی بدون تفکر جزء الگوی غذایی مادران قرار می گیرد در حالیکه بسیاری از این عادات اثرات نامطلوب در حالات روانی افراد خانواده به وجود می آورد، حالاتی مانند تحریک پذیری، نوسانات خلقی از جمله خستگی و پرخاشگری. بنابراین مادران باید با شناخت عادات غذایی و تاثیر آنها در سلامت افراد خانواده به دنبال الگوی غذایی صحیح و متعادلی باشند.

ب. عوامل رفتاری

۱. بی تحرکی و ورزش نکردن:

ورزش کردن به آزادسازی هورمون های حس خوب در مغز کمک می کند که این هورمون ها به کاهش اضطراب و افسردگی و در نتیجه مبتلا نشدن به بی حوصلگی کمک می کند. زنان می توانند با پیاده روی در پارک ها، باشگاه ها و مراکز تفریحی نزدیک منزلشان از اثرات مثبت این امر در خلق و خوی خود بهره مند شوند. (www.baytoote.com)

۲. بی هدفی

وقتی که زنان نمی دانند چه چیزی را می خواهند، دچار بی حوصلگی می شوند. درباره ی داشتن هدف در زندگی، نظرات بسیاری وجود دارد. در مواقعی که ارزش ها و عقاید فرد باورمند دچار تعارض می شود، طوری که بین ارزش ها به این سو و آن سو کشیده می شود ممکن است خیز ناگهانی کوتاه مدتی از انگیزه برای انجام کاری را تجربه کند و سپس بی انگیزه شده و به سراغ کار دیگری برود.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): الْعَاقِلُ مَنْ رَفَضَ الْبَاطِلَ (مجلسی محمد باقر بن محمد تقی، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۹).

خرمند کسی است که امور باطل و بی هدف را کنار بگذارد.

و در جایی دیگر فرمودند:

لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ حَظْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ لِدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ (ابن ابی الحدید، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق، جلد ۱۹، ص ۳۳۸).

سزاوار نیست انسان خردمند گام بردارد مگر برای سه چیز: کاری که معاد او را اصلاح نماید یا برای تامین معاش زندگی باشد و یا برای تفریح و لذت های حلال.

در حدیث بالا امام علی (علیه السلام) امور روزانه را به سه بخش عبادت، کار و تفریح و لذت های حلال تقسیم کرده اند.

مادران به عنوان کسانی که مدیریت امور داخلی خانه را به عهده دارند می توانند همراه همسرانشان کانون های خانوادگی را در هر جامعه گرم و فروزان نگه دارند و در برابر آسیب پذیری اخلاقی و روانی مصونیت ببخشند این کار می تواند با معنا بخشی به امور زندگی براساس اهداف کوتاه مدت و بلند مدت انجام پذیرد به این منظور مادران در چنین خانواده ای باید از یک برنامه مدون و جدول زمان بندی شده ای استفاده کنند و خود و افراد خانواده را مقید به انجام آن کنند مادرانی که هدف از زندگی شان را نمی دانند در مواقعی که ارزش ها و عقایدشان مورد تعارض قرار می گیرند انگیزه انجام کارها را از دست می دهند.

Mgosoft PDF Merger

۳. خستگی ذهنی:

خستگی ذهنی به معنای خسته شدن جسم یا روح است که می تواند بر اثر استرس، کار زیاد، مصرف زیاد دارو و یا بیماری جسمی و روحی ایجاد شود.

خستگی ذهنی عملکرد ذهن را معیوب کرده و چابکی را کاهش می دهد و به صورت تدریجی یا یکباره باعث کاهش رغبت به انجام کار می شود.

مادران اگر از نظر روحی و جسمی در بهترین وضعیت خود نباشند، برای فرزندان خود هم نمی توانند بهترین مادر باشند. وقتی مادر دچار استرس و تنش باشد کمتر می تواند با همسر و فرزندان خود ارتباط عاطفی مناسبی برقرار کند حال اگر همین موقعیت را به مشکلات یک ازدواج پیچیده؛ مشکلات اقتصادی و ... اضافه کنید در چنین وضعیتی مدیریت استرس مادران بسیار ضروری است. تکنیک هایی مثل تغییر زاویه دید نسبت به مسائل، خودآگاهی فعال در مدیریت درونی و در نتیجه سلامت ذهنی در حین داشتن استرس مادران می توانند کمک کننده برای کاهش خستگی ذهنی باشد.

(مجله ارگونومی، فصلنامه انجمن ارگونومی و مهندسی عوامل انسانی ایران، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲)

پیامدهای بی‌حوصلگی مادران در تربیت فرزندان

فاطمه ترابی

چکیده

این تحقیق به بررسی پیامدهای بی‌حوصلگی مادران در تربیت فرزندان می‌پردازد. بی‌حوصلگی، کلید بسیاری از بدیها معرفی شده است. اهمیت این موضوع از آنجاست که خداوند متعال در سوره «والعصر» در کنار ایمان و عمل صالح، ما را به داشتن حق و صبر دعوت می‌کند. در روایات متعدد، ادا نکردن حق دیگران و عدم صبر، پیامدهای تنبلی و بی‌حوصلگی عنوان شده است. پس لازمه تربیت صحیح و داشتن فرزندان صالح، مجهز بودن مادران به سلاح صبر و شکیبایی و حوصله است. مادر بی‌حوصله از ادای حق فرزندان بازمانده و صبر و شکیبایی خود را از دست می‌دهد. از طرفی لازمه یک جامعه پویا و بانشاط، بودن مادران با حوصله است چرا که تربیت مادر، رکن اساسی خانه و خانواده است. برخی از پیامدهای بی‌حوصلگی: ادا نکردن حق دیگران، پاسخگوی کاذب نیازهای فرزندان از طریق رسانه و فضای مجازی و نیز سوق دادن فرزندان به سوی افسردگی.

مقدمه

بی حوصلگی، کلید بسیاری از بدیها است. زمانی که انسان در زندگی توان مقابله با مشکلات را از دست داده و روحش توانایی ایجاد ظرفیت متناسب با حوادث روزگار را برای خود ایجاد نکند و به ابراز آن از طریق بیان پردازد، بی حوصله می شود. اهمیت این موضوع در قرآن بیان شده است که خداوند در سوره «والعصر» در کنار ایمان و عمل صالح، ما را به داشتن حق و صبر و حوصله دعوت می کند. در روایات متعدد، ادا نکردن حق دیگران و عدم صبر، پیامدهای بی حوصلگی عنوان شده است. از طرفی لازمه یک جامعه پویا، داشتن مادران با حوصله و با انگیزه است. مادر بی حوصله، فرزندان بی حوصله به جامعه تحویل می دهد که نتیجه آن نیز تنبلی و بی تحرکی است.

تعریف بی حوصلگی

یکی از هشدارهایی که در فرهنگ دینی ما به چشم می خورد، موضوع بی حوصلگی است. زمانی که انسان در زندگی توان مقابله با مشکلات را از دست داده و روحش توانایی ایجاد ظرفیت متناسب با حوادث روزگار را برای خود ایجاد نکند و به ابراز آن از طریق بیان پردازد، بی حوصله می شود. **Mgosoft PDF Merger** «ضجر» است. «ضجر» را دلتنگی و تنگی معنا کرده اند. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۸۱)

همچنین «ضجر» را اندوهی می دانند که به زبان آورده شود. (ابن فارس، معجم مقیاس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۹۰)
ضجر به آشفتگی، ناآرامی و فشارهای زندگی گفته می شود که فرد برای فرار از آنها به ساز و کار دفاعی از طریق تظاهر بیان روی می آورد. (مهدی خطیب، شادی و شادکامی از دیدگاه اسلام، قم، دارالحديث، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴)

ارتباط بی حوصلگی با سستی و تنبلی

بی حوصلگی کلید بسیاری از بدیها معرفی شده است. کسی که گرفتار چنین صفتی باشد، بر هیچ حقی صبر نخواهد کرد.

«إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ ... مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ق، نص، ص ۲۹۵)

از تنبلی و بی حوصلگی بهره‌برداران زیرا این دو کلید هر بدی هستند. پس همانا اگر تنبلی کنی هیچ واجب و حقی را ادا نخواهی کرد و زمانی که بی حوصله باشی به هیچ حقی شکیبایی و صبر نخواهی داشت.

دقت در روایات مربوط به بی حوصلگی نشان می‌دهد که آمدن واژه های تنبلی و سستی و حتی مقدم شدن این واژه ها به بی حوصلگی نشان از ارتباط تنگاتنگ بین اینها دارد. و ریشه بی حوصلگی را بیان می‌کند.

از سستی است که تنبلی زاییده می‌شود. به تعبیر دیگر سستی، خمیرمایه تنبلی و بی حوصلگی است. هر تنبلی، سست اراده نیز هست اما هر سست اراده، تنبل نخواهد بود. سستی به تأخیر انداختن کارها به علت‌های گوناگون که از ضعف اراده ناشی می‌شود و تنبلی به تأخیر انداختن کارها به همراه بی‌حرکی است.

یکی از عوامل اصلی بی‌حوصلگی، تنبلی انسان به همراه بی‌حرکی است که سبب می‌شود هیچ عاملی در وجود او به جوشش نیفتد و او را به سمت و سوی تحرک نکشانند. فرد بی‌حوصله با بی‌حرکی خود، بی‌حوصلگی را برای خود به ارمغان می‌آورد.

حوصله و انگیزه به انسان تحرک می‌بخشد. فرد بی‌حوصله چنان از خود و دیگران فاصله می‌گیرد که خود را به سوی بیماری‌های روحی و روانی و افسردگی سوق می‌دهد.

می‌فرمایند: «مِنْ التَّوْبَانِ تَوَدُّ الْكَاثِلُ» (حسین برادر علی، صاحب‌الحدیث شیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش، ج ۲۲، ص ۱۶۰)

فرد تنبل نیز با بی‌حرکی خود، بی‌حوصلگی را برای خود به ارمغان می‌آورد.

پیامدهای بی حوصلگی مادران در تربیت فرزندان

خداوند متعال در کنار ایمان و عمل صالح، از حق و صبر یاد کرده است. ادا کردن حق دیگران و صبر و شکیبایی، کلید بسیاری از موفقیت‌ها است. در روایات متعدد، نبود این دو به عنوان تنبلی و بی حوصلگی، عنوان شده است. از طرفی لازمه یک جامعه پویا، وجود مادری مؤمن و متعهد، آگاه و با حوصله است چرا که مادر در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش به‌سزایی دارد. تربیتی که مادر ارائه می‌دهد، رکن اساسی سعادت خانواده و جامعه است. اگر اخلاق مادری بر اساس موازین شرعی و عقلی نبوده و تعهد و حوصله و انگیزه در زندگی او نقش نداشته باشد، مسلماً فرزندی که به جامعه تحویل می‌دهد، فرزند سالم و بانشاطی نخواهد بود. (اسدالله افشار، برای فرزندان و همه فرزندان این مرز و بوم، تهران، الماس دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۹)

برخی از عواملی که منجر به بی‌حوصله شدن مادران می‌شود، عبارتند از: اشتغال، افراط در استفاده از فضای مجازی، تغییر در سبک زندگی که هر کدام از اینها پیامدهایی به همراه دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. ادا نکردن حق فرزندان:

یکی از مهمترین پیامدهای بی‌حوصلگی، ادا نکردن حقوق فرزند معرفی شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّكَ إِذَا كَسَلْتَ لِمَ تَوَدَّ إِلَى اللَّهِ حَقَّهُ وَانْضَجْتَ لِمَ تَوَدَّ إِلَى أَحَدٍ حَقًّا» (محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۹۷)

همانا زمانی که تنبلی کنی، حق خدا را ادا نمی‌کنی و اگر بی‌حوصلگی کنی، حق کسی را ادا نمی‌نمایی.

بی‌حوصلگی مانع از رسیدن انسان به اهداف بلند و عالیه می‌شود. (زهرا یوسفی مصری، بیماریهای افسردگی و اضطراب و راههای درمان آن، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۴، ص ۴۲)

مادر بی‌حوصله با ادا نکردن حق فرزند خویش، فرصت داشتن یک فرزند موفق و صالح را از خود می‌گیرد و به دین و دنیای خود ضرر می‌رساند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «الکسل یضر بالدين و الدنيا: سستی، به دین و دنیا ضرر می‌رساند.» (ر.ک، ابن‌شهر آشوب، کتاب العیون، بیروت، ص ۳۰۴)

والدین نسبت به فرزند، حقی بر گردن دارند از جمله گذاشتن نام نیکو، آموزش قرآن، تعلیم و تربیت و ... و همه اینها در صورت داشتن مادری با حوصله فراهم می‌شود. اگر مادری خواهان تربیت فرزندی صالح که به منزله ی گلی از گلهای بهشت است. «الولد الصالح ریحاء من ریاحین الجنة» (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، گافی، ج ۱۱، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق، ص ۳۳۲) باید با حوصله و انگیزه به تربیت او بپردازد و بداند تأمین صلاحیت او در سایه ادای حق او میسر است. (برای فرزندان این مرز و بوم، ص ۱۹)

۲. سبقت گرفتن رقبای تربیتی (رسانه و فضای مجازی)

فرزندى که توسط مادر تربیت نشود، سایر ابزارهای تربیتی از جمله رسانه، تربیت او را به دست می‌گیرند. رسانه، نیازهای فرزندان را به صورت کاذب پاسخ می‌دهد. (محسن عباسی ولدی، من دیگر ما، قم، آیین فطرت، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۴۲) مهمترین پیامد تربیت رسانه‌ای عبارتند از: بی‌تحریکی، تنبلی فرزندان، از بین رفتن دوران کودکی، ضعف فرهنگ مطالعه، تخیل و ... (محسن عباسی ولدی، همان، ج ۵، صص ۱۴۹ - ۱۴۲)

۳. سوق دادن فرزندان به سوی افسردگی

مادر شاد، خانواده شاد ایجاد می کند. مادر با حوصله هرگز اجازه ورود افکار منفی و تسلط آنها را به زندگی خود نمی دهد، چرا که ورود آنها کلید همه بدیها است و سبب دلمردگی و افسردگی فرزندان خواهد شد. (راضیه محمدزاده، پرورش فرزندی شاد، تهران، مرکز انتشاراتی ضمیر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳ و ۱۱۴)

۴. روی آوردن فرزند به سوی دوستان ناباب

زمانی که محیط خانواده، جذابیت لازم را برای فرزند به همراه نداشته باشد، اولین مکانی که محبت کاذب برای او تأمین می شود، جمع دوستانه است. او به سمت و سوی این دوستان گرایش پیدا کرده به طوری که وابستگی شدیدی به چنین افرادی پیدا می کند که شاید چندان مناسب شخصیت او نباشد.

نتیجه:

بی حوصلگی کلید تمام بدیهاست. مادر با بی حوصلگی، خویش را از داشتن فرزند صالح و سالم محروم می کند. رو آوردن فرزند به فضای رسانه ای و جایگزینی آن به جای تربیت مادر، او را به سمت تبلی و بی تحرکی نیز سوق می دهد. چنین مادری فرزندان بی حوصله به جامعه تحویل می دهد که سبب می شود یک جامعه زنده و پویا نداشته باشیم.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق
۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق
۳. خطیب، مهدی، شادی و شادکامی از دیدگاه اسلام، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱
۴. حرانی ابن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ق
۵. بروجردی، حسین، جامع احادیث شیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش
۶. افشار، اسدالله، برای فرزندانم و همه فرزندان این مرز و بوم، تهران، الماس دانش، ۱۳۸۹
۷. مجلسی، محمد تقی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۸. یوسفی مصری، زهرا، بیماریهای افسردگی و اضطراب و راههای درمان آن، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۴
۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق
۱۰. عباسی ولدی، محسن، من دیگر ما، قم، آیین فطرت، ۱۳۹۴
۱۱. محمدزاده، راضیه، پرورش فرزندی شاد، تهران، مرکز انتشاراتی ضمیر، ۱۳۸۹

مدیریت فرهنگی مادران

Mgosoft PDF Merger

زهرا رسولی

چکیده

در این مقاله با عنوان مدیریت فرهنگی زنان خانه‌دار، به بررسی اصول مدیریتی لازم برای اجرای سبک زندگی و فرهنگ اسلامی در منزل پرداخته شده است. از آنجا که نهاد خانواده، بیش از سایر بخش‌های جامعه، در معرض تهاجم فرهنگی قرار گرفته است، اهمیت این موضوع آشکار می‌شود. در فرهنگ اسلامی، زنان خانه‌دار، مدیران فرهنگی منزل هستند و میزان احیاء و ترویج ارزش‌های اسلامی در جامعه به نوع عملکرد مادران در منزل بستگی دارد. زنان خانه‌دار با یادگیری معارف و فرهنگ اسلامی می‌توانند با ۳ اصل مدیریتی برنامه‌ریزی، سازماندهی و ارزیابی، امورات منزل خود را بر اساس آموزه‌های دینی و دغدغه‌های فرهنگی مدیریت نمایند.

کلید واژه‌ها: مدیریت، فرهنگ، مدیریت فرهنگی، برنامه‌ریزی، سازماندهی و ارزیابی

مقدمه

امروزه جامعه اسلامی، خاصه کشور ما ایران در معرض جنگ فرهنگی قرار گرفته است. دشمنان اسلام با تمام قوا سعی دارند فرهنگ اسلامی را در زندگی مسلمانان از بین ببرند. آنها نظام خانواده را در رأس تهاجمات فرهنگی خود قرار داده‌اند زیرا می‌دانند که خانواده، با اینکه کوچکترین بخش اجتماع است اما در ساختن فرهنگ افراد، مؤثرترین نقش را ایفا می‌کند. خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا...» در این آیه خداوند، مؤمنان را امر می‌کند به اینکه خود و خانواده خود را از آتش نجات دهند. نجات خانواده از آتش (هلاکت و شقاوت) وظیفه‌ای است که هر کدام از اعضای خانواده در حدّ خود باید آن را نسبت به یکدیگر انجام دهند. پدر با مدیریت اقتصادی صحیح، مادر با مدیریت فرهنگی صحیح و فرزندان با ولایت‌پذیری و الگوپذیری صحیح، می‌توانند ناجی نظام خانواده باشند. برای بیان بُعد مدیریتی وجود زن در موضوع نجات فرهنگ خانواده، ابتدا باید بدانیم که چه اموری توسط مادر خانواده می‌بایست مورد توجه قرار گیرد؟

در پاسخ به این سؤال با توجه به معارف دینی، تربیت فرزندان، شوهرداری، رسیدگی به امور منزل، فضاسازی منزل و تغذیه و سلامتی خانواده از جمله اموری هستند که زنان، عهده‌دار آن هستند لذا می‌توانند به سبک فرهنگ اسلامی را نیز به نفع خود و خانواده خود انجام دهند و با توجه به نوع تربیت و چگونگی مدیریت زنان در این مسائل هست که آنان را مدیران فرهنگی منزل می‌نامیم. چرا که آنان، تعیین‌کننده این موضوع هستند که کدام سبک و فرهنگ را در خانه‌داری و خانواده‌داری خود اجرا کنند. البته لازم به ذکر است که مرد با مدیریت اقتصادی صحیح، زیرساخت‌های لازم را برای اجرای فعالیت‌ها و دغدغه‌های فرهنگی زن در خانه را فراهم می‌کند.

مقام معظم رهبری دام‌طلّله، برای بیان ضرورت وجود هر دو جنس زن و مرد، مثال زیبایی را بیان می‌کنند:

«خدای متعال، طبیعت زن را ظریف قرار داده است. بعضی از انگشت‌ها خیلی درشت و گنده هستند و برای کندن یک سنگ از زمین، خیلی خوب هستند اما اگر بخواهند جواهر خیلی ریز را لمس کنند معلوم نیست بتوانند بردارند اما بعضی از انگشت‌ها، ظریف و باریک هستند، آن سنگ را نمی‌توانند بردارند اما آن خُرده جواهر و خُرده طلا را می‌توانند از روی زمین جمع‌کنن، زن و مرد اینطور هستند، هر کدام مسئولیتی دارند...» (سید حسین اسحاقی، دُرّ الکلام فاطمی، ص ۳۸۴) برداشتی که از این مثال زیبا می‌توان داشت این

است که رسیدگی به امور فرهنگی و تربیتی خانواده را می‌توان همچون برداشتن همان طلا و جواهر ظریف دانست که با روح لطیف و ظریف زن، انجام می‌شود.

مدیریت فرهنگی

مدیر در لغت، به معنای آنکه سرپرستی امر معینی از شهر را عهده‌دار است. (قاسم واثقی، درس‌هایی از اخلاق مدیریت، ص ۱)

فرهنگ، همان شیوه و راه زندگی یک جامعه است. (محمدجواد ابوالقاسمی، و دکتر محسن فرمهبینی فراهانی، آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، ص ۳۲)

مدیریت فرهنگی، علم و هنر به کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی و بسیج منابع، هدایت و کنترل آنها برای دستیابی به اهداف تعیین شده در عرصه فرهنگ است. (سید رضا صالحی امیری و امیر عظیمی دولت آبادی، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، ص ۶۴)

در علم مدیریت، مدیری موفق است که به کسب اهداف سازمان یا چیزی بیش از آن می‌انجامد. لازمه این موضوع، دارا بودن برخی توانایی‌های شخصی و حرفه‌ای است که آنها را اصول مدیریتی می‌نامند. اصول حرفه‌ای در مدیریت فرهنگی، ۳ اصل برنامه‌ریزی، سازماندهی و ارزیابی می‌باشد. (۱) این مقاله بر آن است که چگونه می‌توانیم هر کدام از این ۳ اصل مدیریتی را در مدیریت خانه و خانواده در مسائل فرهنگی بررسی کنیم. مدیران فرهنگی منزل، می‌بایست در روش‌های مدیریتی خود، سبک زندگی اسلامی و فرهنگ اسلامی را بوسیله این اصول، در زندگی‌شان جاری کنند.

برنامه‌ریزی

در علم مدیریت، برنامه‌ریزی عبارت است از تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم می‌کند. (سیدرضا سید جوادین، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۲۷۵)

زمانی که دغدغه دینی و فرهنگی دارند، می‌توانند طوری برنامه‌ریزی کنند که امور مختلف اعضای خانواده را متناسب با فرهنگ اسلامی، مدیریت کنند. مثلاً زمان خواب و بیداری، تغذیه، مسافرت، خرید و ... اعضای خانواده. به طور مثال زمان بندی برنامه‌های شاد و دورهمی‌های خانوادگی و تفریحات را، یک ساعت قبل از اذان یا یک ساعت بعد اذان قرار دهند تا فرزندان، ذهنیت خوبی نسبت به این عمل عبادی داشته باشند و یا اینکه زمان

خرید نیازهای ضروری فرزندان را در اعیاد و مناسبات دینی قرار دهند و یا از قبل، خرید کرده و در آن روزها به فرزندان هدیه دهند. نمونه‌هایی از این برنامه ریزی‌های دقیق و هدفمند فرهنگی را در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها می‌بینیم آن گاه که ایشان در ایام قدر، برای خواب و غذای فرزندان طوری برنامه ریزی می‌کردند که فرزندان حتماً در آن شب‌ها بیدار بمانند و معنویت آن را درک کنند. در روایتی از معصوم علیه السلام به این نکته اشاره شده است: «كانت فاطمة صلی الله علیه و آله لاتدع أحداً من أهلها ینام تلک الیلة (لیلة القدر) و تُداویهم بقله الطعام و تتأهب لها من النهار و تقول محروم من حرم خیرها: حضرت فاطمه سلام الله علیها نمی‌گذاشت هیچ یک از افراد خانواده، شب قدر بخوابد. به آنها شام کمتر می‌داد و از روز، آنان را آماده می‌کرد و می‌فرمود: هر کس که خیر این شب به او نرسد، محروم است. (مرحوم شیخ احمد رحمانی همدانی، سخنان حضرت فاطمه سلام الله علیها، ص ۱۰۰)

در روایتی دیگر، برنامه ریزی حضرت برای آموزش ایشار و جهاد و فرهنگ شهادت به فرزندان را می‌توان دید: حضرت زهرا سلام الله علیها، گاه دست فرزندان خود را می‌گرفت و با خود به دیدار شهدای احد و حضرت حمزه می‌برد تا شاهد شهادت را به کام آنان بریزد و درس وفا و حق شناسی را به آنان بیاموزد. (حسین سیدی، خاطر نازک گل، ص ۱۹۶)

Mgosoft PDF Merger

سازمان دهی

در مدیریت، سازمان‌دهی را فرآیندی می‌دانند که طی آن با تقسیم کار، میان افراد و گروه‌های کاری و ایجاد هماهنگی میان آنها، برای رسیدن به اهداف تلاش می‌شود. (سید صمصام الدین قوامی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ص ۴۱) مادری که مدیر فرهنگی منزل خود باشد، با برقراری ارتباط مؤثر با هر یک از اعضای خانواده، اهمیت هر نقش، وظایف و حقوق آنها را به خوبی برایشان تبیین می‌کند، زیرا مدیر موفق، کسی نیست که همه کارها را خود انجام دهد، بلکه مدیریت، هنر انجام کارها بوسیله دیگران است. لذا همه اعضای خانواده باید در فعالیت‌های فرهنگی خانواده، نقشی فعال داشته باشند. نمونه‌هایی از این سازمان‌دهی امور و تقسیم وظایف را در زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها می‌بینیم. امام باقر علیه السلام فرمودند: حضرت زهرا سلام الله علیها، کارهای منزل را با حضرت علی علیه السلام، اینگونه تقسیم کرد که کارهای داخل منزل را فاطمه سلام الله علیها و کارهای بیرون منزل را علی علیه السلام انجام دهد و آن گاه که رسول خدا صلوات الله علیه این تقسیم بندی را برایشان انجام داد، حضرت زهرا سلام الله علیها با خوشحالی فرمود: «فلا یعلم ما داخلنی من السرور إلیا الله...» به جز خدا کسی نمی‌داند که از اینگونه

تقسیم کار، چقدر خوشحال شدم. (محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه الزهرا، ص ۱۲۸)

اینگونه تقسیم کار به نوعی یک سازمان‌دهی فرهنگی است و در ورای آن، برنامه ریزی فرهنگی‌ای وجود دارد، زیرا فرهنگ حیا و عفت را به دختران و فرهنگ غیرت و مسئولیت پذیری را به پسران منزل آموزش می‌دهد و البته هر کدام را برای نقش‌های مادری و پدری آماده‌تر می‌کند. مقابله با فرهنگ میهمانی‌های مختلط نیز از جمله مواردی است که یک مادر دغدغه‌مند می‌تواند با سازمان‌دهی درست امور میهمانی در منزل خود، آن را به درستی مدیریت کند. به طور کلی مادری که مدیر فرهنگی منزل خود است می‌تواند در اموری مثل انفاق، عیادت، صلح ارحام و برگزاری اعیاد مذهبی و ... به همه اعضای خانواده نقش بدهد تا آنها، هم در امور فرهنگی فعال باشند و هم بیاموزند که چطور امورات روزمره خود را با سبک فرهنگ اسلامی پیش ببرند.

ارزیابی

نظارت و ارزیابی، عبارت است از کنترل برنامه‌ها برای بررسی این موضوع که آیا به درستی طراحی شده‌اند و قابلیت اجرا دارند یا خیر؟ (سید صمصام‌الدین قوامی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ص ۷۱ و ۷۲)

ضرورت پرداختن به بحث نظارت در خانواده (اعم از نظارت بر رفتار و برنامه‌ها) با توجه به همان آیه ۶ سوره تحریم آشکار می‌شود. در این آیه، مخاطب، امر شده به نجات خانواده‌اش از هلاکت و نابودی حال، لازمه نجات چیزی از نابودی، مراقبت و نظارت و کنترل داشتن دائمی نسبت به آن چیز است. لذا مادری که مدیر فرهنگی منزل خویش است فقط در صدد اجرای برنامه‌های فرهنگی و دینی بر اعضای خانواده نیست بلکه با ارزیابی رفتار اعضای خانواده از اشکالات برنامه‌ریزی‌های خود در این راستا، آگاه شده و درصدد بهتر کردن آنها برمی‌آید. به طور مثال، مادری که برنامه زیارت و تشریف‌هفتگی به حرم ائمه معصوم علیهم السلام را با هدف ایجاد انس و معرفت نسبت به ائمه، برای خانواده‌اش ترتیب می‌دهد، می‌بایست بعد از انجام این برنامه‌های فرهنگی، از نگرش و احساس اعضای خانواده نسبت به این موضوع مطلع شود تا اگر نیازی به اصلاحات و تغییر روش هست، اقدام نماید.

نتیجه

مدیریت فرهنگی، ظاهراً شغلی است که فقط برای بیرون از فضای منزل و ادارات و سازمان‌های فرهنگی تعریف شده است. اما در فرهنگ اسلامی، تمامی زنان، مدیران فرهنگی منزل خود می‌باشند، زیرا آنان‌اند که با نوع تربیت خود، سبک زندگی کل خانواده را تعیین می‌کنند، لذا همان طور که در مسائل اقتصادی، قوام خانواده به مرد است، از نظر فرهنگی نیز قوام خانواده به زن و میزان دغدغه‌مندی و آگاهی او نسبت به مسائل دینی و فرهنگی است. مدیران فرهنگی منازل با رعایت ۳ اصل مدیریتی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و ارزیابی و البته آموختن معارف فرهنگ اسلامی، می‌توانند فرهنگ اسلامی را در خانواده خود جاری کنند و با تربیت خانواده‌ای اسلامی، در ساختن جامعه‌ای اسلامی، نقشی به سزا داشته باشند.

منابع و مأخذ

۱. اسحاقی، سید حسین، دررالکلام فاطمی، مرکز نشر هاجر، قم، پاییز ۹۶، چاپ اول، ج ۲
۲. واثقی، قاسم، درس‌هایی از اخلاق مدیریت، تهران، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، پاییز ۸۰، چاپ اول
۳. ابوالقاسمی، محمدجواد، فرم‌هینی فراهانی، دکتر محسن، آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی، تهران، عرشی پژوه، تابستان ۸۴، چاپ اول
۴. صالحی امیری، سید رضا، عظیمی دولت آبادی، امیر، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش‌شکده و تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷، چاپ اول
۵. سیدجوادین سید رضا، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، نگاه دانش، ۱۳۹۴، چاپ هشتم
۶. همدانی، مرحوم شیخ احمدرضا، سخنان حضرت فاطمه سلام الله علیها، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱
۷. سیدی حسین، خاطر نازک گل، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها) چاپ پنجم، ۱۳۹۵، قم
۸. قوامی، سید صمصام الدین، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، دفتر نشر معارف، تابستان ۹۳
۹. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان فاطمه الزهراء، نشر مشهور، قم، چاپ هفتم، ۱۳۸۴